

سرشناسه: نمایشگاه آسمان نگاره‌ها (۱۳۹۸): تهران).
عنوان و نام پدیدآور: آسمان نگاره‌ها: مجموعه آثار نگارگری با مضامین انقلاب اسلامی / به کوشش: محمدعلی رجبی.
مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص: مصور (رنگی).
شابک: شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۸۸-۶.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
یادداشت: با مشارکت فرهنگستان هنر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دانشگاه هنرهای اسلامی ایرانی استاد محمود فرشچیان، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد، اداره موزه‌های شاهد (موزه شهدا)، پژوهشکده هنرهای سنتی (پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)، انجمن آثار مفاخر فرهنگی و...
موضوع: نقاشی‌های ایرانی - قرن ۱۴ - نمایشگاه‌ها: Paintings, Iranian-20th century-Exhibitions
موضوع: مینیاتور ایرانی - نمایشگاه‌ها: Miniature painting, Iranian-Exhibitions
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ - هنر و جنگ Art and the war 1988-1980 Iran-Iraq War
موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷: Iran-History-Islamic Revolution, 1979
شناسه افزوده: رجبی دوانی، محمدعلی.
شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
رده‌بندی کنگره: ND ۹۸۵
رده‌بندی دیویی: ۷۵۹/۹۸۸۰۷۴
شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۹۹۵۶۲

آسمان نگاره‌ها

مجموعه آثار نگارگری با مضامین انقلاب اسلامی
به اهتمام مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری

به کوشش: استاد محمدعلی رجبی دوانی

طراح گرافیک: عباس خسروی

عکاسی آثار: سیدجواد سیدآبادی

ناظر فنی چاپ: غلامرضا احمدزاده

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرآیندگویا

چاپ: نوید نواندیش

صحافی: واژه پرداز اندیشه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۸۸-۶

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران، انتهای خیابان فلسطین جنوبی، خیابان لقمان ادهم، بن بست بوذرجمهر، شماره ۲۴،

مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۴-۶۶۴۹۸۶۹۲. دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲

پست الکترونیک: publishing@honar.ac.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر، نرسیده به چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵، ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

تلگرام: @artboks

matn.publishing.honar.ac.ir



Artists

Reza Badro-al-sama
Mohammad Reza Taeb
Akbar Tajvidi
Ardeshir Mojarad Takestani
Mohammad Ali Rajabi Davani
Mohammad Bagher Aghamiri
Jamal Khorami Nejad
Parviz Haseli
Khashayar Ghazizadeh
Seyedeh Raziye Yasini
Parviz Eskandarpour Khorami
Roghayeh Lotfi
Jamshid Sarhadi
Hossein Esmati
Mina Sadri
Sara Aghamiri
Fatameh Manzoori
Seyed Morteza Hosseini Poorshandiz
Amir Tahmasbi
Hossein Habibi
Zeynab Rajabi
Celina Pooriya
Bahram Marandi
Mehran Lotfali
Masoud Honarkar
Mahdi Farokhi
Mahin Afshanpoor
Farideh Fazelinejad
Amirhossein Aghamiri

هنرمندان

رضا بدرالسماء
محمد رضا تائب
اکبر تجویدی
اردشیر مجرد تاکستانی
محمدعلی رجبی دوانی
محمد باقر آقامیری
جمال خرمی نژاد
پرویز حاصلی
خشایار قاضی زاده
سیده راضیه یاسینی
پرویز اسکندر پور خرمی
رقیه لطفی
جمشید سرحدی
حسین عصمتی
مینا صدری
سارا آقامیری
فاطمه منظوری
سید مرتضی حسینی پورشان‌دیز
امیر طهماسبی
حسین حبیبی
زینب رجبی
سلینا پوریا
بهرام مرندی
مهران لطفعلی
مسعود هنرکار
مهدی فرخی
مهین افشانپور
فریده فاضلی نژاد
امیر حسین آقامیری

دبیر نمایشگاه: استاد محمد علی رجیبی دوانی
شورای سیاست‌گذاری: سید مسعود شجاعی طباطبایی، سید حمید شریفی آل هاشم،
علی وزیریان، محمد حسین نیرومند، مجدالدین معلمی
دبیر نشست‌های تخصصی:
دکتر خشایار قاضی‌زاده
هماهنگی و ارتباطات: سید مرتضی میری، محمد حسین چوکامی
امور نمایشگاهی: فریبرز ابراهیمی، محرم علی دینی، قاسم مهرزاد، سعید مجیدی
با تشکر از:
دکتر حسین عصمتی، افشین شیروانی، سجاد محمدی‌ارزاده، محمدرضا فراهانی، مجید شهرستانکی،
مهدی مرادی، محمد زرویی، سیدجواد سیدآبادی

با مشارکت:

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دانشگاه هنرهای اسلامی - ایرانی استاد محمود فرشچیان، دانشگاه آزاد اسلامی،
پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد،
اداره موزه‌های شاهد (موزه شهدا)، پژوهشکده هنرهای سنتی (پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)،
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس، انجمن نگارگری ایران، مدرسه اسلامی هنر،
موزه هنرهای معاصر تهران، معاونت فرهنگی و هنری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،
موزه ملی قرآن کریم (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی)

هو البدیع

وقتی مدار گردش تاریخ دور دیگری را آغاز می‌کند و به قول قرآن مجید، خداوند در شأن دیگری قرار می‌گیرد، نشانه‌هایی پیشاپیش طلیعه ظهور دوران جدیدی را در واپسین روزگار وقت، نوید می‌دهد که تنها خبرگان ژرفاندیش و آینده‌نگر دلالت آن را در می‌یابند. از این‌رو تحول و انقلاب، هرچند برای بسیاری غافلگیرانه و غیرمنتظره می‌نماید، ولی برای اهل نظر که بصیرت تاریخی دارند، امری منطقی و مورد انتظار است.

در اوج سلطه سیاسی و فرهنگی غرب، رژیم پهلوی داعیه حذف اسلام و قرآن را به عنوان دین و کتاب آسمانی رسمی ایران داشت و تغییر خط فارسی، که شاخص فرهنگ ملی ما بود، به خط لاتین در دستور کار قرار گرفت؛ و خطوط قرمز ارزشی و اخلاقی فرهنگ تاریخی‌مان در هنر و رسانه و روابط اجتماعی برداشته شده بود و در فیلم‌ها و مجلات و جشن هنر شیراز و محافل رسمی نمونه‌های بارز آن مشاهده می‌شد؛ سپردن ارکان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فنی و نظامی به مستشاران غربی، تیزبینان تحلیلگر خارجی و داخلی را بر این باور آورده بود که ظهور و بروز جوانه‌هایی از ریشه فرهنگ رو به فراموشی ملی و اسلامی ما رویش خود را آغاز کرده است.

امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری بارها این نکته را در سخنان خود مورد تأکید قرار داده‌اند که انقلاب اسلامی اتفاق رخ داده‌ای مربوط به بهمن ماه ۱۳۵۷ نیست؛ بلکه جریانی مداوم است که با عبور از فراز و نشیب‌ها، لایه‌های مختلف خود را پدیدار و استوار می‌سازد.

پس از هجوم همه جانبه استکبار جهانی و عوامل باقی‌مانده آن که جنگ تحمیلی هشت‌ساله و تروریسم داخلی را رقم زد و آتشباری از آسمان و زمین را پایان کار انقلاب و توقف جریان نیرومند تاریخ تصور می‌کرد، با کمال حیرت مشاهده شد که ایران، پیروز و سربلندتر از تمام گذشته خود، نه تنها از خویش صیانت کرد که سایه بال‌گشوده خود را تا دریای مدیترانه و دریای سرخ گسترده. این اتفاقی بود که پس از دو هزار و پانصد سال تاریخ ایران، برای نخستین بار تجدید گردید و عظمت ما را پس از قرن‌ها حاکمیت آشکار و پنهان دیگران، بازگرداند و با قامتی افراشته و ندایی رسا در برابر استکبار جهانی به مقابله پرداخت و نیروی عظیم خود را که از آبشخور ایمان نشئت می‌گیرد، آشکار ساخت.

بسط و شکوفایی بی‌سابقه هنرهای اصیل در معماری، نقاشی، خوشنویسی، موسیقی، سینما، شعر و ادبیات، گرچه هنوز برابری با توسعه علوم پزشکی، هسته‌ای، ژنتیک، فنی و نظامی کشور نمی‌کند، اما نشانگر آینده‌ای است که با برداشتن یکایک حجاب‌های ظلمانی باقی‌مانده از دوران سلطه غرب و غرب‌زدگی ما، اصالت خود را نمودار می‌سازد. این روند فرهنگی و تمدنی، که جاهلان با مفاهیم سیاسی تفسیرش می‌کنند، علی‌رغم موانع داخلی و خارجی بی‌وقفه گسترش یافت و به سوی ایجاد فرهنگ و تمدنی جدید به حرکت درآمد و آثار پیشرفت خود را برای آنها که چشم بصیرت دارند، پدیدار ساخت.

انقلاب اسلامی ایران تجلی اسم «الله اکبر» و جهت‌گیری آن سیر الی الله و نفی استکبار درون و برون انسان‌ها است. زدودن استکبار از جامعه برای رسیدن به «عدالت» که از مهم‌ترین خواست‌های انقلابیون مسلمان است میسر نمی‌گشت مگر اینکه آحاد مردم از مرتبه تمنای استکبار بیرون آیند و خود را از آیینگی مستکبران نجات دهند تا با شکست آینه استکبار همه جلوه‌های نمایانگری آن محو و نابود شود.

با این دریافت قلبی و تعلیمات قرآنی هرگز پذیرفته نخواهد بود که مسلمانان قیومیت بیگانه را بپذیرند، چنانچه قرآن کریم فرمود: **لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء** (آل عمران / ۲۸). مؤمنین به هیچ بهانه‌ای نباید کفار را ولی و سرپرست

خود بگیرند با اینکه در بین خود کسانی را دارند که سرپرست شوند و هرکس چنین کند دیگر نزد خدا هیچ حرمتی ندارد.

قیام به خاطر خدا حد و مرز نمی‌شناسد و در هر مقامی نسبت خود را با مربوط خویش به نمایش می‌گذارد. اولین مرتبه معرفت نسبت به حرکت انقلاب اسلامی «شناخت جهت کلی» آن است و آن هم مستلزم شناسایی اسمی است که در ذیل آن به انقلاب بر می‌خیزیم.

امام خمینی(ره) رهبر روحانی انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند: «باید دید که ما مربوط کدام رب هستیم». نفی اراده‌ی زمان کنونی و شکستن ارکان سست شده‌ی آن برای رسیدن به وضع مطلوب، همه‌ی آن چیزی است که انقلاب اسلامی خواهان آن است. باید دانست انسان امروز در تب‌وتاب و بحران شفاف‌پذیر این تب‌وتاب است و نجات حقیقی او جز در مرگ این حیات نکبت‌بار و آکنده از ظلم و جور و زنده شدن دوباره با ظهور معنوی مهدی موعود(عج) نمی‌تواند بود.

شاید بتوان بیش از هر تأثیری از نقش رهبری در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی ایران و هدایت آن به سوی آرمان مقدسش سخن گفت. انقلاب اسلامی ایران با رهبری داهیانه‌ی امام خمینی(ره) بساط استکبار حاکم بر کشور را برچید. امام خمینی(ره) در مسیر تعلیمات انقلابی هرگز از هدایت معنوی جامعه غافل نبودند، چنان‌که می‌فرمودند: انقلاب اسلامی، قبل از آن که یک انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد، یک انقلاب معنوی و روحانی است؛ و این انقلاب فرهنگی را در شرایطی مطرح می‌کردند که نوید نابودی مستکبران در این قرن را محقق می‌دانستند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جماعتی مسائل فقهی را درباره‌ی انواع هنرها، خصوصاً موسیقی، مجسمه‌سازی و تا حدودی نقاشی مطرح نمودند که همین امر سبب توجه هرچه بیشتر به موازین فقهی در این زمینه گردید. گرچه کوتاه‌اندیشان با بحث‌های انحرافی سعی می‌کردند فقه اسلامی را مانع و مخالف هنر معرفی کنند، اما فرمان امام خمینی(ره) که هم فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط بودند و هم در مقام رهبری جامعه قرار داشتند، خط بطلانی بر همه‌ی تبلیغات آنها کشید. ایشان نه تنها هنر را در مقوله‌ی محرمات قرار ندادند بلکه آن را در مقام رسانه‌ی اجتماعی و دارای جایگاهی والا دانستند و در نامه‌ی خطاب به هنرمندان بر زمینه‌های اعتباری این بخش از صور تمدنی اصرار ورزیدند. در این دستورالعمل آمده است: «هنری مورد قبول قرآن است که صیقل‌دهنده‌ی اسلام ناب محمدی صل الله علیه و آله و سلم، اسلام ائمه هدی علیهم السلام، اسلام فقراء دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد...» و بالاخره غایت کار هنرمندان را چنین مشخص فرمودند: «هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانت‌شان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکاء به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده‌اند».

هنر اسلامی را هنر مقدس خوانده‌اند زیرا گزارشی از عالم قدس در این هنرها مشاهده می‌شود. آنها که واسطه‌ی عالم قدس به سوی خلق بوده‌اند گواهی داده‌اند که روح القدس کلمات را در دهان شاعر می‌گذارد. چنانچه پیامبر اسلام(ص) و برخی از امامان معصوم شیعه به شاعرانی همچون حسّان و دعبل فرمودند: «من آن فرشته‌ای را که این کلمات را در دهان تو گذارد می‌شناسم» و یا «من دیدم که روح القدس این کلمات را بر زبان تو جاری ساخت». یا درباره‌ی خوشنویسی فرمودند: «الخط الحسن یزید الحق وضحا» خط زیبا حقیقت را آشکارتر می‌کند. در این جایگاه والا هنری که جلوه‌های حقیقت را می‌نماید دارای قداست می‌شود و تأثیرات آن بر جامعه، ترویج عوالم نیکویی و ارتقاء معنوی است. از سوی دیگر برای چنین هنرهایی نقش انقلابی و ضداستکباری و جهاد فی سبیل الله قائل شده‌اند و آنها را به عناوین گوناگون ستایش کرده‌اند.

رسول اکرم(ص) به یکی از شاعران فرمودند: به راستی که مؤمن با جان و شمشیر و زبانش نبرد می‌کند. به خدایی که جانم در اختیار اوست اشعار شما درباره‌ی دشمنان چون تیرهایی است که به سوی آنها می‌افکنید. البته مراد از وجه ضداستکباری هنر قدسی آن نیست که ضرورتاً ظاهر هنر از کلمات یا تصاویر یا نغمه‌ها یا حرکات حماسی و جنگی اشباع شود، بلکه مراد آن است که باطن اثر هنری ما را به جهاد اکبر و اصغر علیه استکبار خویش و بیگانه دعوت کند، هر چند که ظاهر آن تغزلی یا به هر صورت، محاکاتی از جلوات زیبایی مطلق باشد. به عبارت بهتر، باطن جلالی هنر قدسی است که ما را دعوت به مبارزه تام و تمام درونی و برونی می‌کند و این با التفات صرف به ظاهر جمالی آن حاصل نمی‌شود.

هنر انقلاب اسلامی در نسبت با وضع هنر معاصر، خلاف آمد عادت است. آنچه در عادت بشر امروز و از جمله هنرمندان غرب زده ظهور کرده، پذیرش وضع موجود و سازش با آن است. هرگز تمنایی برای گذشت ندارند و اگر توجهی به آنها دست دهد از چاله هرز تمدن غرب، به چاله دیگری از همین تمدن فرو می‌افتند زیرا برای گذشتن به خودآگاهی تاریخی لازم است.

نقاشی می‌گفت: ما به‌عنوان نقاشان انقلاب آمدیم که نقشی بر انقلاب زنییم اما انقلاب ما را نقش زد. این کلمات که گویای حقیقتی عیان است مبین فنای هنرمند در معبود انقلاب اسلامی است. لفظ و کلام شاعر، رنگ و خط و بیان تجسمی‌نقاشی، آهنگ‌های حماسی و حتی تغزلی و همه صور هنر انقلاب اسلامی، نماد الفاظی است که از ذات پاک هنرمندان دلباخته به حقیقت انقلاب صادر می‌شود. از این جهت نوعی همدلی و مغالزه بین هنرهای انقلاب وجود دارد که تأثیرات و همدلی‌های آنها را می‌توان در یکدیگر مشاهده کرد. نقاشی و خصوصاً نگارگری انقلاب اسلامی زبان گویایی از رنگ‌ها و شکل‌هایی است که به صورت نمادین به شرح حال هنرمند در نسبت با مضامین انقلاب اسلامی می‌پردازد و از سوی دیگر نمادهایی همچون گل سرخ، سرو، لاله و امثال آن از طریق ادبیات انقلاب راهنمای نقاشان و نگارگران شده است.

هنر نگارگری ایران با سابقه‌ای در نهاد پاک ملت ایران از دیرباز تا کنون زمینه‌ای قابل در پذیرش معانی متعالی و ظهور آثار فاخر داشت توانست در دوران اسلامی ایران در کنار ادبیات غنی حماسی، اخلاقی و عرفانی به بیانی دست یابد که از محدوده‌های دست‌وپاگیر تصویر بگذرد و زمان و مکان‌های متعددی را در یک اثر با وحدت کامل آنها نمایش دهد.

نگارگری همچون همه هنرها و آموزه‌های دیگر در فرهنگ اسلامی مبتنی بر سرمشق‌هایی بود که پاسدار و نگهدار آن در مواضع تحولات تاریخی باشد. نگارگران ایرانی این سرمشق‌ها را مقدس می‌شمردند و با درک عمیق همراه با رنج مقدسی که در تمرین‌ها و تجربیاتشان می‌بردند، سلسله سنت قدسی را ادامه می‌دادند و آرام‌آرام گامی به پیش می‌گذاشتند.

نگهداری و پاسداشت سنت به این منظور بوده که ضمن صیانت از سرمشق ازلی و ابراز هویت معنوی، توان پاسخگویی و هم‌زبانی با عصر خود را نیز بیابند و برای آیندگان خود ناگفته‌هایی نیز باقی بگذارند. سنت‌شکنی و بدعت‌گذاری در سنت را همواره مذموم می‌دانستند و شرط پذیرش ایده‌های جدید را نسبت باطنی با آن سنت قرار می‌دادند. مقام معظم رهبری نیز به‌عنوان راهنمای هنرمندان می‌فرماید: سنت‌شکنی هیچ ایده مطلوبی نیست، سنت‌شکنی حرفی است که هیچ پشتوانه منطقی ندارد. در چنین سنتی که سرمشق در آن جایگاهی بنیادین دارد، مقام استاد نیز بسیار اهمیت می‌یابد، تا جایی که سنت آموزشی در هنر اسلامی ایران را شیوه استاد - شاگردی نامیده‌اند. تاریخ نگارگری ایران نشان می‌دهد که از مرحله تصویرسازی متون علمی، اخلاقی و حماسی گذر کرده و در پایان راه خود توانسته با ادبیات مغالزه کند و زبان خود را برای بیان نسبت انسان با معبود بگشاید. این مرحله از تحول و دگرگونی تا آنجا پیش رفت که هنرمندان، اثر خود را متعلق به خویش ندانند و از امضای اثر خودداری کنند یا بسیار کوچک در گوشه‌ای از نگاره با پسوندهایی همچون: رقم العبد، رقم کمینه، رقم کمترین یا با عناوینی به صورت سجع، همچون «سلام علی ابراهیم» که آقا ابراهیم نقاش امضاء می‌نمود یا آقا نجف با سجع «یا شاه نجف» یا محمد صادق با سجع «یا صادق الوعد» و امثال اینها امضاء می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نگارگری که این هنر را نسبت به سایر هنرهای نقاشی ممتاز می‌کند عدم وجود پرسپکتیو است. پرسپکتیو سبب می‌شود نقاش از موضع دید خود به عنوان ناظر محور، به نظاره بپردازد و فضایی را ایجاد کند که توهم فضای سه بعدی را القاء نماید. در این آثار هنرمند خود را به اثر تحمیل می‌کند و مخاطب را وادار می‌کند فقط از چشم او به نظاره بنشیند. در این صورت فضای اثر نیز ابعاد گسترده‌ای نمی‌یابد و زبان هنر بسیار محدود می‌شود. در مقابل چنین نگرشی، نظرگاه نگارگران ایرانی است که با حذف جایگاه خود، فضایی بسیار متحرک و چندوجهی ایجاد می‌کنند که امکان می‌دهد معانی و مضامین گوناگون و خصوصاً مضامین عرفانی در یک اثر به نمایش درآید. این نوع بیان و قدرت سخنوری تصویری، برای جماعتی که در عادت دیداری خود از طبیعت محو شده‌اند قابل درک نیست و نسبت به این هنر، زبان به اعتراض می‌گشایند که باید به آنها گفت:

مدعی کو نکند فهم سخن گوی چه باک کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد

این هنر را تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اغلب با عنوان «مینیاتور» می‌شناختند که عمدتاً از آن هنری ظریف و کوچک را مد نظر داشتند. پس از پیروزی انقلاب، لازم آمد که تحولی در واژگان فرهنگ و هنر صورت گیرد و هر فعلی در جایگاه معرفتی خود نام مناسب و تعریف حقیقی خود را بازیابد. واژه نگارگری که مبتنی بر تعریفی بود که در آن جلوه‌های حقیقی اشیاء که همان «نگار» و چهره مینوی اشیاء و امور است مد نظر قرار گرفت. از سوی دیگر در ادبیات قدیم ایران نیز واژگانی همچون نگاره، نگارگر، نگارخانه، نگارستان که هر یک برگرفته از همان صورت واحد نگار است بسیار به کار برده می‌شد. از این پس نگارگری فقط به صرف کوچکی اثر و ظرافت بیش از حد آن مورد نظر نبوده، بلکه به جایگاه باطنی آن توجه عمیق گردید.

امروزه شاهد آن هستیم که نگارگری به صورت تابلوهای بزرگ با مواد و مصالح گوناگون انجام می‌شود و در عین حال هویت تصویری خود را نمایش می‌دهد. این نوع نگرش به نگارگری سبب هم‌سخنی با زمانه نیز گردیده است و نگارگران توانسته‌اند مضامین معاصر را با بیانی جدید به تصویر درآورند. با نگاهی به آثار نگارگری ایران با مضامین گوناگون و نحوه تلقی هنرمندان نگارگر دل‌آگاه، می‌توان نقش معاصر بودن این هنر را با صورت نوعیه نگارگری مشاهده نمود.

آثاری که در این مجموعه برابر نگاه مخاطبان قرار گرفته، بخشی از نگاره‌هایی است که با مضامین انقلاب اسلامی تصویر شده است. بیشترین مضامین این آثار نمایش جان‌فشانی‌های امت اسلامی در پاسداری از موارث فرهنگ انقلاب و همچنین صیانت از حریم مقدس کشور عزیز ایران در مقابل تهاجمات دشمنان است. گروهی از این آثار مستقیماً سعی در بیان باطن معانی مقدس انقلاب نموده‌اند و برخی دیگر با عیان نمودن مضامین حماسی تاریخ ایران به تطبیق آن با شرایط جدید پرداخته‌اند. گروهی دیگر از مضامین که در دوران پس از پیروزی انقلاب مورد توجه هنرمندان نگارگر قرار گرفته، مضامین قرآنی و روایی و همچنین رویدادهای تاریخی شیعه و نقش بارز شیعیان و ائمه هدی در ترویج فرهنگ اسلامی است. مجموعه حاضر یادگار نمایشگاهی است که به مناسبت چهل و یکمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با عنوان «آسمان نگاره‌ها» در ایام مبارک دهه فجر برگزار گردید. نمایشگاه‌های جمعی و جشنواره‌های فراوانی در ایران وجود دارد که برخی منظم و پایدار و برخی دیگر متناسب با شرایط خاص برگزار می‌شود. دوسالانه‌های نقاشی و نگارگری، برآیند دو سال فعالیت نقاشان و نگارگران را عرضه می‌کند که موجب دلگرمی هنرمندان، خصوصاً هنرجویان جوان می‌شود و سبب تحرک و جنب و جوشی در میان این گروه از هنرمندان می‌گردد. اما نمایشگاه «فجر انقلاب اسلامی» با این قصد برگزار گردید که هرساله آثار نقاشی و سایر هنرهایی که به مضامین فرهنگ انقلاب پرداخته‌اند به نمایش درآید.

آنچه برادران هنرمند هنرهای تجسمی حوزه هنری را بر آن داشت تا امسال نمایشگاهی را به نگارگری انقلاب اسلامی اختصاص دهند، فقدان چنین نمایشگاهی در طول چهل سال گذشته بود. تحقق این نمایشگاه همراهی مؤسسات، دانشگاه‌ها و موزه‌ها را در پی داشت که بر غنای این نمایشگاه افزود، خصوصاً اینکه نشست‌های تخصصی در این زمینه و بحث و فحص دربارهٔ وجوه گوناگون آثار نگارگری انقلاب اسلامی در ایام برگزاری این نمایشگاه توسط استادان شهیر و محققین محترم بر رونق علمی آن نیز اضافه نمود.

دانشگاه هنرهای اسلامی - ایرانی استاد محمود فرشچیان، دانشگاه آزاد اسلامی، فرهنگستان هنر، مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد، پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات، پژوهشکده هنرهای سنتی میراث فرهنگی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مدرسه اسلامی هنر و موزه شهدا، موزه هنرهای معاصر تهران، موزه ملی قرآن کریم، انجمن هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، انجمن نگارگری ایران و معاونت فرهنگی و هنری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) در ارائه آثار هنری و مشارکت در برگزاری نشست‌های تخصصی با حوزه هنری همکاری صمیمانه‌ای داشتند. لازم می‌دانیم از تمامی مسئولین محترم این مؤسسات و موزه‌ها و استادان گرانقدر، همچنین مسئولین محترم حوزه هنری، به ویژه مسئول و شورای تخصصی مرکز هنرهای تجسمی و همکارانشان سپاس‌گزاری و برای آنها توفیق در جهت محقق ساختن مقاصد عالیة انقلاب اسلامی را آرزو کنیم.

من الله التوفیق

محمد علی رجیبی دوانی